

## Aspects of the Qur'anic use of the word "right" in the system of creation

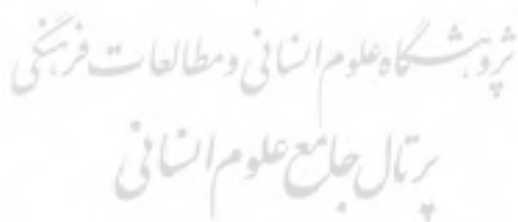
Ali qazanfari\*

Kazem khajavi\*\*

### Abstract

The semantic aspects of a word in the Holy Quran are important for understanding its meanings. Various scholars have researched and written in this field, and today this topic is among the topics of Quranic sciences. Looking at the verses of the Holy Qur'an where it speaks of "truth" shows that the Holy Qur'an considers some concepts to be right or with the truth, one of which is "the world of creation". By searching for and finding verses related to the word "right" about the world of creation, this research has examined and extracted the semantic aspects of this word in the discussed concept. Accordingly, what has been achieved is that the word truth in the Qur'an about the system of creation has three meanings, which are: 1. The coherence and inviolability of the world of creation; 2. Purposefulness and directionality; 3. Being law-abiding and having a plan. At the end of this research, the origin of the right of existence is examined and its relationship with the absolute right and divine divinity is stated.

**Keywords:** Holy Quran, Word of Truth, Semantic Aspects, Creation System



---

\* Assistant Professor of Holy Quran, University of Tehran, ali@qazanfari.net

\*\* PhD student in Comparative Interpretation, Qom University of Holy Quran Sciences and Education (Corresponding Author), kazemkh1@chmail.ir

Date received: 09-09-2020, Date of acceptance: 14-12-2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## وجوه قرآنی واژه "حق" درمورد نظام آفرینش

علی غضنفری\*

کاظم خواجوی\*\*

### چکیده

وجوه معنایی یک کلمه در قرآن کریم، برای فهم مقاصد آن مهم است. محققین مختلفی در این زمینه تحقیق کرده و تألیفاتی نگاشته‌اند و امروزه این مبحث در میان مباحث علوم قرآن جای گرفته است. نگریستن و بررسی آیات قرآن کریم آنجا که از "حق" سخن می‌گوید، نشان می‌دهد قرآن کریم برخی مفاهیم را حق یا همراه با حق دانسته که یکی از این مفاهیم "جهان آفرینش" است. این تحقیق با جستجو و یافتن آیات مرتبط با واژه "حق" درمورد جهان آفرینش، وجوه معنایی این واژه را در مفهوم مورد بحث، بررسی و استخراج کرده است. بر این اساس، آنچه به دست آمد این است که واژه حق در قرآن درباره نظام آفرینش سه مفهوم دارد که عبارت است از: ۱. منسجم و خلل‌ناپذیر بودن جهان آفرینش؛ ۲. هدف‌دار و جهت‌دار بودن جهان آفرینش؛ ۳. قانون‌مند بودن و برنامه داشتن آن. در پایان این تحقیق، منشأ حق بودن جهان هستی مورد بررسی قرار گرفته و ارتباط آن با حق مطلق و ربوبیت خدا که خالق و مدبر هستی است، بیان شده است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، واژه حق، وجوه معنایی، نظام آفرینش

\* استادیار، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ali@qazanfari.net

\*\* دانشجوی دکتری، رشته تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم (نویسنده مسئول)،

kazemkh1@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

## ۱. مقدمه

برخی از کلمات قرآنی مقاصد و معانی چندگانه‌ای در خود دارند. گرچه این معانی به یک اصل واحد که این کلمه در ابتدا برای آن وضع شده برمی‌گردد اما هر معنی، مفهومی را به ذهن متبادر می‌سازد که از بقیه وجوه معانی دیگر متمایز می‌نماید. مبحث وجوه مفاهیم یک کلمه در قرآن کریم و دستیابی به آن، از مباحثی است که علما و محققین علوم قرآن و تفسیر، به آن توجه خاص خودش را مبذول داشته‌اند. این علم که متقدمان از مقاتل بن سلیمان، ابن جوزی، ابن دامغانی، ابوالحسن صمد مصری و ابن فارس (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۱، ۴۴۰) و دیگران تا به امروز به بررسی آن پرداخته‌اند، مبحثی مهم در فهم واژگان قرآن با توجه به جایگاه آن در سیاق جمله و همچنین منظومه معرفتی قرآن به‌شمار می‌رود.

با پیشرفت جامعه بشری در عرصه‌های مختلف زندگی، استنتاج از آیات قرآن کریم باتوجه به اینکه آخرین کتاب آسمانی بوده و متکفل بیان نیازهای زندگی بشر تا پایان تاریخ است، ضروری و لازم است. پیشرفت و تطور فهم انسان در طی اعصار و قرون این را می‌طلبد که وجوهی را از کلمات و عبارات قرآن کریم استخراج کند که پاسخ‌گوی نیازهای بشر در طول زندگی باشد. البته تفسیر به رأی نیز آسیبی است که ممکن است در این راه گریبان‌گیر فهم و تفسیر شود لذا توجه به قواعد متقن و دور از وهن، ضرورتی غیرقابل انکار در این مسیر است.

در همین راستا فهم درست از جهان آفرینش که مهد رشد و تعالی انسان است، براساس قرآن کریم از مسائلی است که قابل توجه و مهم است. اصولاً هستی‌شناسی از معارفی است که انسان برای زندگی بهتر به آن نیازمند است. جهان هستی مواقف و مسائل مختلفی دارد که قابل بحث و بررسی است. به همین ترتیب نگاه قرآن کریم به هستی و جایگاه آن در نظام معرفتی، از مسائلی است که می‌تواند بحث‌های مهم و زیادی در اطراف خود ایجاد کند و به‌نوبه خود راهنمای انسان برای دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی شود.

یکی از کاربردهای مهم واژه "حق" که از کلمات کلیدی قرآن کریم محسوب می‌شود و بارها از آن استفاده و به آن استناد شده و مبنای بسیاری از معارف قرار گرفته، درمورد نظام جهان آفرینش است که در آن به "حق بودن" این نظام اشاره شده. این حق بودن آفرینش باتوجه به اصل واژه "حق"، دارای وجوهی است که قابل امعان نظر و زمینه‌ای برای بحث‌های بعدی در این رابطه است. این تحقیق با بررسی آیات مرتبط به این مطلب،

وجوهی را برای آن استخراج کرده و به بررسی آن پرداخته و در پایان چگونگی منشأ این حقیقت را مورد مذاقه قرار داده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

از آنجاکه واژه حق، واژه‌ای مهم و کلیدی در قرآن به‌شمار می‌رود و بار معنایی ویژه‌ای دارد، مورد توجه پژوهشگران علوم قرآنی و تفسیر قرار گرفته است. هریک از آن‌ها به واکاوی این مفهوم پرداخته‌اند. مقالاتی این واژه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. جایگاه معنایی واژه حق در قرآن کریم بر پایه روابط همنشینی واژگان؛ نویسندگان این مقاله معتقدند که بیشترین کاربرد معنایی این کلمه را معنای «راستی و درستی» از میان دیگر معانی واژه حق به خود اختصاص داده است. در مرتبه‌های بعدی نیز واژه حق، معانی چون «وجوب»، «دادگری»، «قرآن» و «مفهومی مقابل باطل» را دربر گرفته است. همه عناصری که به‌عنوان وجه معنایی برای لفظ «حق» و مشتقات آن ذکر شده، به یک کلمه مادر یا معنای اصلی بازمی‌گردد و آن «مطابقت و موافقت» براساس حکمت الهی، در جایگاه خود است (مختاری، قاسم؛ هادی‌فر، فریبا، ۱۳۹۸ش).

۲. نقش دانش ریشه‌شناسی در رهیافت فلسفی به واژه حق در قرآن کریم؛ یکی از نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ریشه‌شناسی این واژه با استفاده از ابزار شناخته شده این دانش، یعنی شناخت اصل مضاعف، معنای اصلی، مقارنه بین زبان‌های سامی و معناشناسی تاریخی نشان می‌دهد که مفهوم ریشه‌ای در این واژه، «وجود» است. اگرچه مفاهیم صدق و عدالت نیز به‌عنوان مفاهیم ثانویه در این واژه وجود دارند. این مفهوم در واژه حق، با کاربردهای مختلف این واژه مانند: الله، دین، اسلام، قرآن، توحید، صدق، ملک، حاجت ارتباط برقرار می‌کند (حسینی، بی‌بی زینب؛ قائمی اصل، حسین؛ بادسار، رقیه، ۱۳۹۹ش).

۳. تحلیل مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم با بهره‌گیری از شیوه همنشینی و جانشینی؛

نویسندگان این مقاله در تحلیل و بررسی خود به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به مؤلفه‌های معنایی موجود در همنشین‌های حق، می‌توان گفت مؤلفه‌های مشترک میان

همنشین‌های حق عبارت‌اند از: «ازسوی خداوند بودن»، «داشتن یاری خداوند و به سرانجام رسیدن»، «روشن و آشکار بودن و نداشتن ابهام»، «نبود عذر و بهانه در نپذیرفتن آن»، «اسوه بودن برای مردم»، «به سختی نیفتادن کسی با پذیرش آن» و «واکنش دوگانه انسان‌ها در روبه‌رو شدن با این امور» (ساسانی، فرهاد؛ آزادی، پرویز، ۱۳۹۱ش).

#### ۴. تقابل‌های معنایی حق در قرآن براساس معناشناسی ساختگرا؛

در بخشی از نتیجه‌گیری این مقاله آمده است:

در نسبت تقابل حق، میان حق و باطل، حق و کذب، حق و لعب رابطه تقابل مکمل و میان حق و بغیر حق، تقابل واژگانی برقرار است. کشتن پیامبران، ظلم، تکبر و استکبار به ناحق، خروج به ناحق و شادی و سرمستی به ناحق، همگی در میدان مقابل حق قرار می‌گیرند. پس باطل دایره وسیعی پیدا می‌کند و موارد نام‌برده را شامل می‌شود. همچنین مفاهیمی نظیر ظن، ریب، ظلم و معبودهای دروغین، در تقابل ضمنی با حق‌اند... در مقابل، واژگان متفاوتی در تقابل باطل وجود دارد؛ واژگانی نظیر خداوند، اطاعت از خدا و رسول، ایمان و لوازم آن، خلقت جهان و وقوع حق در تقابل ضمنی با باطل‌اند. پس این‌ها در میدان معنایی حق قرار می‌گیرند (فتحی، علی؛ قاسم‌پور، محسن؛ سید خراسانی، راضیه سادات، ۱۳۸۹ش)

با توجه به آنچه در معرفی مقالات مرتبط با این تحقیق بیان شد، این مقالات به‌طور کلی درصدد بیان معنا یا معانی واژه حق در قرآن هستند. این واژه کاربردهای وسیع و متعددی براساس مفهوم اصلی خود در مسائل مختلف معرفتی دارد که جایگاه آن، در معنایابی این کلمه دارای نقش مهمی است. مقالات پیش‌گفته، به‌صورت کلی به آن اشاره می‌کنند.

تحقیق پیش‌رو به‌صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر واژه حق را از منظر ارتباطش با جهان آفرینش مورد بررسی قرار داده است و با بررسی و تحلیل آیاتی که به نوعی این مفهوم را توضیح می‌دهند، درصدد بیان این مطلب برآمده است که حق بودن نظام هستی که در قرآن کریم به آن اشاره شده است، چه معانی نهفته‌ای در خود دارد، ارتباطش با مفهوم اصلی این کلمه چیست و چه نتیجه‌ای برای انسان دارد.

### ۳. معنای نظام و نظام آفرینش

در معنای لغوی نظام، گفته شده نظام یعنی ترتیب و تنظیم بر اصل منطقی و طبیعی؛ کلیه موجودات عالم را نظام معین و خاص است که هر یک در مرتبت خود واقع است و ارتباط خاصی با دیگران دارد و تمام موجودات از جهت این ارتباطات، در حکم یک موجودند و همه به هم پیوسته‌اند و همه لازم و ملزوم یکدیگرند (معین، ۱۳۷۸ش: ج ۴، ۴۷۴۹). معادل این کلمه در زبان انگلیسی «سیستم» (System) است. صاحب‌نظران این حوزه، تعاریفی در مورد این کلمه ارائه کرده‌اند که عبارتند از:

سیستم مجموعه‌ای از اجزای به هم وابسته است که آن اجزا در راه نیل به هدف‌های معینی با هم هماهنگی دارند (چرچمن، ۱۳۷۵ش: ۳۰).

سیستم یا شبکه، مجموعه‌ای از عناصر است که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برای تحقق یک هدف در تلاش‌اند. در هر شبکه، تغییر هر جزء بر دیگر اجزاء و بر کل، تأثیر دارد و هیچ‌یک از عناصر، اثری مستقل و جدا از مجموعه نمی‌گذارند و نمی‌پذیرند (واسطی، ۱۳۹۱ش: ۴۶).

با توجه به این مطالب، "ارتباط اجزا" و "انسجام" و همچنین "هدف داشتن" اصلی‌ترین مؤلفه‌های یک نظام به‌شمار می‌آیند که در تعیین مصادیق باید به آن توجه کرد. جهان آفرینش نیز یک نظام و سیستم است؛ چراکه اجزایی مرتبط به هم دارد و به‌سوی هدفی مشخص حرکت می‌کند.

### ۴. معنای حق و کاربرد آن در قرآن

واژه "حق" متضاد "باطل" و به معنای وجوب است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۶). "حاء" و "قاف" اصل واحدی است که بر استواری و صحت چیزی دلالت می‌کند بنابراین حق نقیض باطل است و هر فرعی به آن برمی‌گردد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۵). اصل "حق" به معنی مطابقت و موافقت و هماهنگی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۴۶). اصل یگانه در این ماده، ثبوت و دوام همراه تطابق با واقع است و این قید از مفهوم این کلمه در همه مصادیق‌اش گرفته شده (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج ۲، ۲۶۲). حق یعنی ثابت، به حقیقت معنای ثبوت و آن عبارت است از وجود خارجی و پدیده عینی (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۷، ۱۴۶). منظور از حق یعنی آنچه مقابل باطل است و آن امر ثابتی است که آثار واقعی و

مطلوب بر آن مترتب می‌شود (همان: ج ۹، ۱۳). حق عینی عبارت از این است که چیزی در عالم عین تحقق داشته باشد؛ حق یعنی موجود ثابت؛ به این معنا هرچیز که عینیت و واقعیت داشت حق است، ثابت است، موجود است... حق یعنی «الموجود الثابت»؛ آن چیزی که در عالم خارج تحقق دارد [لذا] ثابت درمقابل متحرک نیست؛ ثابت یعنی تحقق داشتن (حسینی بهشتی، ۱۳۸۲ش: ۱۹ و ۲۰). بنابراین با توجه به آیات قرآن می‌توان گفت حق یعنی وجود واقعی، صحیح و نافع که از خدا نشأت گرفته و باطل امری است عدمی از نبودن حق.

واژه حق حدود ۲۵۰ بار در قرآن به کاررفته که برخی از آن‌ها ضمن آیاتی است که به حق بودن نظام آفرینش اشاره می‌کند:

(وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ...) (انعام: ۷۳) «اوست که آسمان‌ها و زمین را بحق آفرید»

(أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ...) (ابراهیم: ۱۹) «آیا ندیدی خداوند، آسمان‌ها و زمین را بحق آفریده است؟!»

(خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ) (عنکبوت: ۴۴) «خداوند، آسمان‌ها و زمین را بحق آفرید؛ و در این آیتی است برای مؤمنان»

آیات دیگری که به این مطلب اشاره می‌کنند عبارت‌اند از: حجر: ۸۵، روم: ۸، زمر: ۵، دخان: ۳۸-۳۹، جاثیه: ۲۲، احقاف: ۳، تغابن: ۳.

عبارت «بالحق» جارومجروری است متعلق به محذوف که دو نقش برای آن ذکر شده؛ حال از فاعل یا مفعول فعل "خلق" (صافی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۳، ص ۱۷۵)؛ صفت برای مفعول مطلق یعنی «خَلَقَ... خَلَقًا مُلْتَبِسًا بِالْحَقِّ» (همان: ج ۱۴، ص ۲۶۹) و "باء" برای مصاحبت (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۲، ص ۱۷۷) یا ملابست (همان: ج ۱۸، ص ۱۷۱) است. این عبارت چه حال از مفعول باشد چه صفت برای مفعول مطلق، به همین معنی است که هستی - آنچه متشکل از آسمان‌ها و زمین و هرچه بین این دو است - بحق و براساس حقیقت است.

بنابراین این آیات به وضوح دلالت می‌کنند که جهان آفرینش حق است و براساس حق شکل گرفته است. اینکه این حق بودن هستی با توجه به اصل معنی کلمه حق، چه کاربردهایی در قرآن دارند، از مسائلی است که با رجوع به قرآن و بررسی آیات مرتبط می‌توان آن را کشف کرد.



## ۵. وجوه معنایی حق درباره نظام آفرینش

### ۱.۵ منسجم و خلل ناپذیر بودن

قرآن کریم در این باره می‌گوید:

(...ما تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ) (ملک: ۳) «در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟»

مقصود نظر ما در این آیه، دو کلمه "تفاوت" و "فطور" است. واژه "تفاوت" به معنای تباعد و دوری است و "تفاوت السَّيِّئَاتِ" به معنای دوری دو چیز از یکدیگر است به گونه‌ای که باهم پیوند نداشته باشند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ۴۵۷). همچنین این کلمه به معنای اختلاف، نابسامانی و پراکندگی آمده است (طریحی، ۱۳۷۵ش: ج ۲، ۲۱۳). واژه "فطور" به معنای شکاف است که در این آیه معنی اختلال و سستی می‌دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۴۰).

باتوجه به مفهومی که از دو کلمه تفاوت و فطور گفته شد، دقیقاً این آیه بر این نکته تأکید می‌کند که همه اجزای جهان آفرینش و خلق خدا بدون ناهماهنگی و باهم مرتبط هستند و این ارتباط، یک کل منسجم و بدون خلل را تشکیل می‌دهد. نکته جالب توجه در این آیه، واگذار کردن قضاوت این انسجام و هماهنگی به خود انسان است آنجا که می‌گوید: «هل ترى من فطور؟». خرد انسان با دیدن این ساختار عظیم، خود به این مطلب گواهی می‌دهد و اذعان می‌کند که همه جهان آفرینش کاملاً در یک راستا و باهم کار می‌کنند چه اینکه اگر نابسامانی و اختلافی در نظام هستی بود، قطعاً به نابودی آن منجر می‌شد و سرپا نمی‌ماند.

چنانکه گفته شد، حق بودن یعنی حقیقت داشتن و مطابق با واقع بودن؛ انسجام و هم‌خوانی نظام آفرینش که مورد اشاره قرآن کریم هست، حقیقت و واقعیتی است که عینیت خارجی دارد و همان‌طور که در بیان پیشین گذشت، خود انسان این حقیقت و واقعیت را می‌بیند، می‌فهمد و به آن اذعان می‌کند.

توصیفی هم که قرآن کریم از اجزای این جهان می‌کند، حاوی همین مطلب است که خلل و ناهمگونی در حرکت آن وجود ندارد و همه ارکان نظام هستی با یکدیگر هماهنگ هستند و عملشان باهم تداخل ندارد.

(خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ...) (لقمان: ۱۰)  
 «آسمان‌ها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید، و در زمین کوه‌هایی افکند تا شما را نلرزاند»

"عمد" به معنای ستون‌ها است و ستون سازه‌ای است که انسجام بنا را حفظ می‌کند. می‌توان درباره عبارت «بغیر عمد ترونها» دو نظر ارائه داد؛ یک برداشت این است که آسمان‌ها با ستون‌هایی که قابل رؤیت نیست، خلق شده؛ در این صورت، تشبیه به ستون، حکایت از انسجامی است که حفظ و عدم فروپاشی دنیا را در پی دارد. برداشت دوم از عبارت بالا این است که آسمان‌ها بدون ستون، استوار است و فرو نمی‌ریزد؛ در این صورت هم، آیه بر استواری آسمان‌ها بدون داشتن ستون دلالت می‌کند که خود دلیل انسجام و عدم اختلال در آن است همان‌طور که فرمود: (...وَيُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ...) (حج: ۶۵). بر همین اساس عبارت (وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ) نیز به استواری و انسجام زمین برای زندگی اشعار دارد. چراکه لرزش زمین یعنی عدم انسجام آن به گونه‌ای که مناسب برای زندگی نیست اما کوه‌ها این توازن را ایجاد کرده است.

حرکت موزون و متناسب خورشید و ماه هم نمونه دیگری از توازن در جهان است که قرآن کریم به آن اشاره کرده است به شکلی که با گذشت میلیاردها سال، حرکت آن‌ها در شبانه‌روز دچار تداخل نشده است:

(لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ) (یس: ۴۰) «نه خورشید را سزا است که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد؛ و هر کدام در مسیر خود شناورند»

این دست از آیات بیانی است بر حقیقتی خارجی که برای انسان قابل رؤیت و تصدیق و حقی است که قابل انکار نیست.

## ۲.۵ هدف‌دار و جهت‌دار بودن

قرآن کریم واژه حق را در معنایی به کار برده که آن معنا درخور توجه بسیار است و می‌تواند پایه و مبنایی باشد برای بسیاری از مباحث اسلامی و آن، حق به معنای جهت‌دار بودن و هدف‌دار بودن نظام هستی است. قرآن در آیات بسیار اعلام می‌کند که ما آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده‌ایم (حسینی بهشتی، ۱۳۸۲ش: ۲۵). قرآن کریم می‌فرماید:

(وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ﴿۳۸﴾ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ) (دخان: ۳۸ و ۳۹) «ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که در میان این دو است به بازی (و بی‌هدف) نیافریدیم! ما آن دو را جز بحق نیافریدیم؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند!»

برطبق این آیه جهان هستی بازیچه نیست بلکه بحق است؛ چراکه بازی و بازیچه بودن نشان‌دهنده بی‌هدف بودن و سرانجام نداشتن است. آن هدفی که خدای متعال برای جهان آفرینش ترسیم کرده قطعاً در این دنیا تعریف نشده چراکه این جهان فانی است و هرچیز فانی و افول‌کننده شایستگی این را ندارد که به‌عنوان هدف شناخته شود. با بررسی همین آیاتی که در درباره حق بودن نظام آفرینش ذکر شد، هدف جهان آفرینش مشخص می‌شود؛ قرآن کریم می‌فرماید:

(خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ) (تغابن: ۳۰)

انتهای این آیه، غایت و منتهای خلقت آسمان‌ها و زمین، و حقیقت آن را حرکت به‌سوی حق تعالی بیان می‌کند - الیه المصیر - لذا هدف از خلقت این جهان، در سرای آخرت تعریف می‌شود. فقط او باقی است و همه‌چیز جز او نابودشدنی است. در آیات متعددی از قرآن اشاره می‌کند که برخی هدفشان را در همین زندگی دنیوی تعریف می‌کنند و نمی‌اندیشند که این دنیا گذرا و فانی است. بنابراین نباید به چیزی امید بست و آن را هدف تعیین کرد که ناپایدار است. برخی از آیات دیگر هم که بیان‌کننده حق بودن آفرینش است، این هدف را مورد اشاره قرار می‌دهد. این آیات تأکید می‌کنند که پایان یافتن دنیا به‌معنی نابودی و پایان هستی نیست؛ آنچه حقیقت عالم است همان چیزی است که در سرای آخرت رخ می‌دهد:

(وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِيُجْزِيَ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ)

(جاثیه: ۲۲)

ظاهر این است که مراد از آسمان‌ها و زمین در این آیه مجموع عالم قابل مشاهده است... بحق بودن خلقت عالم یعنی حق بودن و باطل و بازیچه نبودن آن؛ یعنی اینکه در پشت این عالم موجود و ازبین‌رفتنی، غایتی ثابت و باقی وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۸، ۱۷۱).

خلقت هستی حق است بدین معنا که دارای هدف و غایت است. اگر خلق آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، غایت و مصیری نداشت حکمت خدای متعال دچار خدشه می‌شد اما او از انجام کار عبث و بیهوده مبرا است. اضافه بر این مسئله، انسان بدون هدف

متعالی نیز دچار سردرگمی و احساس پوچی خواهد شد و به کمالات بالای خود دست نخواهد یافت. گرچه ممکن است انسان اهدافی در طول زندگی برای خود تعریف کند یا اینکه قانون گذاران جامعه، این کار را برای انسان انجام دهند اما این اهداف، کوچک و مقدماتی هستند چون انسان دارای زوایای وجودی ناشناخته بسیاری است و شناخت آن برای بشر امری ممکن نیست لذا استعداد درونی انسان به طور کامل و صحیح شکوفا نخواهد شد. خدای متعال که خالق عالم هستی و عالم نمان و آشکار جهان است، هدف اصلی و نهایی انسان را به او یادآوری می کند. خواست خدای متعال این است که انسان با توشه‌ای که در این جهان برمی گیرد، در دیار باقی به لقاء الله برسد و به سعادت ابدی دست پیدا کند.

#### ۱.۲.۵ مقصود از سعادت ابدی

همان طور که گفته شد جهان هستی هدف دار است و هدف آن، در سرای باقی تعریف می شود که عبارت است از سعادت ابدی؛ اینکه این سعادت اخروی به چه چیزی است، آیات قرآن کریم نهایت و متهدارجه سعادت را در دو چیز بیان می کنند؛ "رضای الهی" و "قرب الهی".

قرآن کریم رضوان الهی را بزرگ ترین نعمت قلمداد می کند و می گوید: (وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) (توبه: ۷۲).

نکره بودن "رضوان" به جهت تصغیر است؛ به این معنی که کم ترین مقدار از رضایت الهی، از بقیه نعمت ها بزرگ تر است. به همین جهت است که در تفسیر این آیه گفته شده: «مقام "رضوان" که از بزرگ ترین مواهب و مقاماتی است که خداوند به مؤمنان و مجاهدان می بخشد، چیزی است غیر از باغ های بهشت و نعمت های جاویدانش و غیر از رحمت گسترده پروردگار» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۷، ۳۲۹).

قرب الهی هم در قرآن نعمتی عظیم دانسته شده؛ قرآن کریم در سوره مبارکه واقعه، از سه گروه مردم در روز قیامت سخن به میان می آورد؛ اصحاب شمال، اصحاب یمین و سابقون. در این سوره، خدای متعال سابقون را به "مقربین" توصیف می کند آنجا که می فرماید: (وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ\*أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) (واقعه: ۱۰ و ۱۱). لذا پیشگامان راه خدا که

وجوه قرآنی واژه "حق" در مورد نظام آفرینش (علی غضنفری و کاظم خواجهوی) ۱۲۱

عالی‌ترین مقام را دارند، مقرب درگاه الهی هستند. بنابراین قرب به خدا برترین مقامی است که در پیشگاه خدای متعال وجود دارد.

بدین ترتیب مشخص شد که مقصود از سعادت و درجه ممتاز آن براساس آیات قرآن کریم، "رضایت الهی" و "قرب الهی" هستند. در همین راستا علامه طباطبایی در میزان به این نکته تأکید می‌کند و می‌گوید: «خدای متعال همان کسی است که در زندگی سعادت‌مند انسان، هیچ آرزو و هدفی جز رضوان او و هیچ سعادت‌تری بزرگ‌تر از قرب او نیست» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۴، ۴۱۹).

### ۳.۵ قانون‌مند بودن و برنامه داشتن

همان‌طور که در بالا اشاره شد، جهان آفرینش "حق" است به این معنا که دارای هدف و غایت است. قطعاً مجموعه‌ای که هدفی دارد، برای رسیدن به آن باید برنامه داشته باشد و از قوانینی که این مجموعه را به هدفش می‌رساند پیروی کند. می‌توان گفت یکی از کاربردهای کلمه "حق" در قرآن کریم، اشاره به همین مسئله است که جهان آفرینش دارای چهارچوب و نقشه‌ای است که برای رسیدن به هدف لازم است.

قرآن کریم می‌فرماید: (وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ...) (مؤمنون: ۷۱) «و اگر حق از هوس‌های آن‌ها پیروی می‌کرد، قطعاً آسمان‌ها و زمین و هر که در آن‌ها است تباہ می‌شد». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه می‌گوید:

...بنابراین آن سنت حیات که سالک خود را به سعادت انسانی می‌رساند، طریق متمایزی است که اقتضایش این است که این نظام بحق باشد... و این حق همان قوانین ثابت غیرمتغیری است که در نظام عالم حاکم است؛ همان نظامی که یکی از اجزایش نظام انسانی است. این قوانین انسان را برای رسیدن به اهداف و غیایاتش اداره می‌کند و حرکت می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۵، ۴۶ و ۴۷).

برطبق آنچه در تفسیر این آیه گفته شد، جهان هستی براساس حقیقتی تکوینی در حرکت است. این حقیقت در واقع همان قوانین ثابتی است که امیال و خواسته‌های باطل در آن راه ندارد. هرآنچه انسان در این جهان انجام می‌دهد و هرچیزی را که تصرف می‌کند از چهارچوب این قوانین ثابت هستی خارج نیست چه اینکه در صورت توانایی انسان در تغییر شاکله هستی، خودخواهی، منفعت‌طلبی و عدم توجه او به عواقب عملش، جهان را به

فساد و نابودی می‌کشاند. بنابراین عدم فساد زمین و آسمان که بنابر مشیت الهی به‌طور منظم در حرکت هستند نشانه همین قوانین و سنن (حق) است؛ قوانین و سنن که تحت تدبیر الهی جریان دارد.

اینکه یکی از مظاهر حق بودن آفرینش جهان، روش و قانون داشتن آن است در آیات دیگر نیز قابل تطبیق است. قرآن کریم می‌فرماید: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ...) (یونس: ۵) «اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد، و برای آن منزل‌هایی معین کرد تا شماره سال‌ها و حساب را بدانید، خدا این‌ها را جز بحق نیافریده است».

در این آیه منظور از "حق" بودن، این است که خدای متعال آن‌ها را برطبق حکمت و مطابق مصلحت خلق کرده است (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۷، ۲۰۹). این آیه بیان می‌کند که خلقت این‌ها حق است زیرا خدای سبحان حیات را براساس قاعده‌ای فراگیر، عمیق و مرتبط با سنت‌هایی که در نظام هستی گنجانده، برپا کرده است؛ و این همان چیزی است که معنای کلمه "حق" که همان راز پنهان داخل اشیاء است ارائه می‌کند؛ سری که برای هر پدیده‌ای از پدیده‌ها حکمتی در حرکت و جودی و در رازش قرار داده به‌گونه‌ای که امور را از بیهودگی در خلقت دور می‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ج ۱۱، ۲۷۰). همچنین در این زمینه گفته شده حقانیت آسمان و زمین هم از نظام عجیب و آفرینش منظم و حساب شده آن روشن است و هم از هدف و منافی که در آن‌ها وجود دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۱، ص ۱۵۶).

این قانونمندی از جنس قوانین بشر اومانیستی نیست که منافع دنیوی را اساس قانون می‌داند بلکه در این رابطه گفت شده: «از نظر قرآن ملاک حق و باطل [در قوانین] چیز دیگر است و آن این است که تأمین کننده سعادت انسان بوده و با مقتضای فطرت و آفرینش او مخالف نباشد» (سبحانی، ۱۳۸۳ش: ج ۱۴، ۱۱۳).

خواست الهی بر این قرار گرفته که امور جهان براساس قوانین و اسالیب منطقی و منظم جریان یابد تا هدف آفرینش تحقق یابد. خدای متعال که هدف هستی را مشخص نموده، راه‌ها و قوانین رسیدن به این هدف را نیز ترسیم کرده است و وحی که بیان هدف خلقت به انسان را برعهده دارد، روش‌های رسیدن به آن را نیز برای او تبیین می‌کند. آفرینش خدای متعال هم در تکوین و هم در تشریح براساس قاعده و قانون است.

### ۱.۳.۵ انواع قوانین جهان هستی

قوانین هستی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ الف) قوانینی که در ماده جاری هستند؛ ب) قوانینی که عکس‌العمل فعل آدمی است.

الف) قوانین جاری در ماده:

همان‌طور که مشخص است، در دنیا قوانینی حاکم است که امور طبیعی جهان براساس آن، نظام یافته‌اند. قوانینی که علوم تجربی آن‌ها را در طول زمان کشف کرده‌اند از این سنخ هستند. قرآن کریم به این قوانین به‌طور ضمنی اشاره کرده است. در ضمن آیاتی که به "مسخر شدن" جهان برای انسان اشاره می‌کند، این قوانین قابل فهم است. به‌عنوان نمونه در قرآن آمده است: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (جاثیه: ۱۳) «او آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته؛ در این نشانه‌های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می‌کنند» مسخر و رام شدن هستی برای انسان از دو زاویه قابل بررسی است؛ اول اینکه خدای متعال جهان را به‌گونه‌ای برای انسان آفریده تا مناسب حال او باشد و زندگی را برای انسان میسر کند. قوانینی برای طبیعت تدوین شده و این قوانین به‌شکلی است که قابل بهره‌برداری برای انسان باشد و هرچه برای راحت‌تر ادامه دادن زندگی موردنیاز انسان است در جهان قرار داده شده. خدای متعال خورشید را طوری آفرید و گرمای آن را طوری تنظیم کرد که انسان نه از سرمای زیاد جان بدهد و نه گرمای زیاد او را هلاک کند.

دوم اینکه خدای متعال انسان را به‌گونه‌ای آفرید که هر نیازی که در درون خود احساس می‌کند می‌تواند با قوه غریزه یا عقل، وسیله رفع آن را در جهان پیدا کند و آن را به‌کار گیرد. او با استفاده از استعداد خود، قوانین موجود در طبیعت را کشف می‌کند و براساس آن ادواتی می‌سازد تا از منافع و گنج‌های موجود در طبیعت در جهت زندگی بهتر خود بهره‌کشی و براساس آن، پیشرفت کند. او می‌تواند از همین نور ساطع شده از خورشید در جهت تولید انرژی استفاده کند.

با این توضیح، آشکار می‌شود که مسخر شدن جهان برای انسان براساس قوانین و عللی است که در جهان هستی وجود دارد.

ب) قوانین حاصل از عمل انسان

برای نوع رفتار انسان یا اجتماع در این جهان، قوانینی جاری می‌شود که خدای متعال در قرآن از آن‌ها به‌عنوان "سنت‌های الهی" نام برده است. بسیاری از آیات قرآن کریم بیان‌کننده

همین قوانین است. البته این قوانین نه براساس امور ماورائی بلکه براساس همین سازوکارهای دنیوی و قواعد علی و معلولی است. این قوانین معمولاً بازتاب عمل یا عدم عمل به دستورات الهی است. گرچه نتیجه اصلی نوع برخورد انسان با دستورات الهی در قیامت منعکس می‌شود اما از آنجاکه همین دستورات کارکرد نظم‌بخشی به زندگی دنیا را دارد، عمل یا عدم عمل به آن‌ها، نتیجه دنیوی را نیز دربرمی‌گیرد. به‌عنوان مثال قرآن کریم بیان نموده است که: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...» (غافر: ۵۱) «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم». این آیه به این مسئله اشاره می‌کند که رعایت ایمان و تقوا، بازتابی نیک در همین جهان برای انسان دارد. به عبارت دیگر جهان به‌گونه‌ای تنظیم شده است که عمل آدمی، عکس‌العملی را در پی دارد و این براساس قوانینی است که در جهان جاری است.

## ۶. منشأ حق بودن جهان آفرینش

حق بالاخاله خدای متعال است و آنچه از حق در جهان وجود دارد از او نشأت می‌گیرد: (الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ...). با تدبر در سوره مبارکه لقمان، این نکته حاصل می‌شود که مجموع بحث‌هایی که پیرامون خالقیت و مالکیت و علم و قدرت بی‌انتهای پروردگار در این سوره آمده (نک: لقمان: ۲۹-۱۰)، این امر را اثبات کرده که "حق" تنها او است: (ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ...) (لقمان: ۳۰). بنابراین آنچه از باری تعالی نشأت می‌گیرد نیز جلوه‌ای از حقیقت و حقانیت او است زیرا تمامی موجودات در وجود یافتن و نیز در کمالات وجودی، مستند به خدای تعالی هستند، و همچنین نظام عامی که در عموم آن‌ها و نیز نظام‌های جزئی که در بعضی از آن‌ها یعنی در هر نوعی و فردی از آن‌ها جاری است، همه مستند به خدای تعالی است. همه هستی قائم به ذات مقدس او است و در مسیری حرکت می‌کند که اراده و خواست او است؛ همین‌طور است حق بودن جهان آفرینش با جوهی که از آن گفته شد. هستی، تحت امر حقی است که آن را براساس حق آفریده و درنهایت به خود او بازمی‌گردد. آیات متعددی بر مالکیت و مدیریت خدای متعال بر همه امور هستی دلالت می‌کند:

(قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ\* فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ



الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (یونس: ۳۲-۳۱) «بگو چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک گوش و چشم‌ها است؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و چه کسی امور (جهان) را تدبیر می‌کند؟ به‌زودی (در پاسخ) می‌گویند "خدا"، بگو پس چرا تقوا پیشه نمی‌کنید؟ \*آن است خداوند، پروردگار حق شما! باین حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟ پس چرا روی‌گردان می‌شوید؟»

(اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلًّا يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ) (رعد: ۲) «خدا همان کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت، سپس بر عرش استیلا یافت؛ و خورشید و ماه را مسخر ساخت، که هرکدام تا زمان معینی حرکت دارند! کارها را او تدبیر می‌کند؛ آیات را (برای شما) تشریح می‌نماید؛ شاید به لقای پروردگارتان یقین پیدا کنید».

نکته کلیدی در این دو آیه، عبارت «یدبّر الأمر» است که در آیه دوم به صورت مستأنف آمده؛ این استیناف بیان می‌کند علت اینکه هرآنچه در این جهان خلق شده و براساس یک نظم منطقی جریان دارد، تدبیر مستمر الهی است. همه چیز تسلیم و تحت فرمان اوست؛ (...وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا...) (آل عمران: ۸۳) و این خلقت هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند و دگرگون نمی‌شود.

بنابر آنچه گفته شد، مشخص می‌شود منشأ حقیقت جهان آفرینش، "ربوبیت" خدای متعال است. مضارع بودن فعل در عبارت «یدبّر الأمر» نشان می‌دهد این ربوبیت الهی مستمر و پیوسته است؛ نه قطع می‌شود چراکه قطع رابطه خالق و مخلوق قابل تصور نیست و نه برخلاف توهم مشرکان، به غیر واگذار می‌شود که در این صورت وحدانیت خدا در فعلش دچار خدشه می‌شود. ربوبیت الهی اقتضا می‌کند که اولاً همه چیز در جهان باهم هماهنگ و بدون تداخل باشد چراکه تحت فرمان خالق هستند که کارش حکیمانه است؛ ثانیاً جهان براساس قوانین و سنن باشد چراکه نظام بدون قانون‌گذاری و مدیریت آن غیرممکن است و ثالثاً مدبر باید برای این نظام، هدف و جهتی تعیین کند تا فعل او بیهوده و باطل نباشد.

## ۷. نتیجه‌گیری

با بررسی معنای لغوی واژه حق و کاربردی که در قرآن کریم از آن وجود دارد، آشکار می‌شود "حق" که در مقابل "باطل" قرار دارد، به‌طور کلی به معنای حقیقت داشتن، ثابت و مطابق واقع بودن است. در قرآن کریم یکی از کاربردهای این واژه برای جهان آفرینش و هستی است. قرآن بارها در ضمن آیاتی که با اسالیب مختلف معارف الهی را متذکر می‌شود، به این مطلب نیز اشاره می‌کند که خلقت آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، بحق است. براساس معنای اصلی کلمه حق، حق بودن جهان هستی و جوهری را در معنی خود دربرمی‌گیرد که هرکدام به معرفتی اشاره می‌کند. با تحلیل آنچه آیات قرآن کریم در این باب بیان می‌کند و آنچه مفسران در این خصوص گفته‌اند، می‌توان سه وجه را برای حق بودن هستی یافت که عبارتند از:

۱. منسجم و خلل‌ناپذیر بودن جهان آفرینش؛ به این معنا که همه عناصر موجود در نظام آفرینش با هماهنگی هم و تناسب کار می‌کنند و مخل و ناموزون نیستند. این کارکرد هماهنگ، یک نظام منسجم را به وجود آورده است.

۲. هدف‌دار و جهت‌دار بودن نظام آفرینش؛ به این معنا که هرآنچه در هستی وجود دارد بیهوده و عبث نبوده بلکه انسان در آن به‌سوی غایتی در حرکت است. این هدف و غایت قطعاً در این دنیا نیست چراکه این جهان فانی و گذرا است. انسان در نهایت به‌سوی خدا مبعوث و محشور می‌شود؛ (یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ) (انشقاق: ۶). از مجموع آیات قرآن این نتیجه حاصل می‌شود که هدف اصلی سعادت اخروی است که در رضایت و قرب الهی متبلور می‌شود.

۳. قانون‌مند بودن و برنامه داشتن؛ یک مجموعه هماهنگ قطعاً نمی‌تواند بدون قانون و برنامه جریان یابد، لذا در ورای این عالم قوانینی وجود دارد که نظام جهان را سامان می‌دهد. در جهان هستی قانون‌های تکوینی جاری در طبیعت و قوانین تشریحی وجود دارد. واضح همه آن‌ها خدای متعال است که چگونگی آن‌ها در قرآن تبیین شده است.

سرمنشأ حقیقت جهان آفرینش با جوهری که از آن بیان شد، حق مطلق است که همه حقائق از او وجود می‌یابند. ربوبیت خدای متعال که عین ذات او است حقیقت همه حقایق است و جهان آفرینش نیز به‌عنوان یک کل، بر همین مبنا تحقق یافته و جاری است.

وجوه قرآنی واژه "حق" در مورد نظام آفرینش (علی غضنفری و کاظم خواجوی) ۱۲۷

این حقایق در هستی جریان دارند تا زندگی در آن ممکن و امیدبخش باشد. لذا پوچ‌گرایی در این جهان جایگاهی ندارد بنابراین باید در جهتی حرکت کرد که خدای متعال برای سعادت انسان تعریف کرده است. انسان مختار که جزئی از این جهان است باید محیط و جامعه خود را بر این اساس ساخته و در جهت حقیقت جهان هستی حرکت کند. در غیر این صورت اگر این جزء از مجموعه سر جای خود قرار نگیرد و هماهنگ با دیگر اجزا نباشد - همان‌طور که در تعریف نظام گفته شد - مجموعه دچار خللی می‌شود که قرآن کریم از آن به‌عنوان «باطل» و «فساد» یاد کرده است.

## کتاب‌نامه

- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. مصحح: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الإعلام الإسلامی. چاپ اول.
- چرچمن، چارلز وست (۱۳۷۵ش). نظریه سیستم‌ها. ترجمه: رشید اصلانی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی. چاپ سوم.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۲ش). حق و باطل از دیدگاه قرآن. تهران: نشر بقیع. تهیه و تنظیم: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید دکتر بهشتی. چاپ سوم.
- حسینی، بی‌بی زینب؛ قائمی اصل، حسین؛ بادسار، رقیه (۱۳۹۹ش). «نقش دانش ریشه‌شناسی در رهیافت فلسفی به واژه حق در قرآن کریم». دو فصلنامه آموزه‌های فلسفه اسلامی. بهار و تابستان ۱۳۹۹ش. شماره ۲۶. ص ۱۱۰-۸۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت-دمشق: دارالقلم-الدارالشامیه. چاپ اول.
- ساسانی، فرهاد؛ آزادی، پروین، (۱۳۹۱ش). «تحلیل مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم با بهره‌گیری از شیوه همنشینی و جانشینی». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. بهار ۱۳۹۱ش. شماره ۱. ص ۸۴-۶۷.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۳ش). منشور جاوید. قم: مؤسسه امام صادق (ع). چاپ اول.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱ق). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالکتب العربی. چاپ دوم.
- صافی، محمود (۱۴۱۸ق). الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانیه. دمشق: دارالرشید. چاپ چهارم.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. چاپ دوم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. محقق: احمد حسینی اشکوری. تهران: مرتضوی. چاپ سوم.

فتحی، علی؛ قاسم‌پور، محسن؛ سید خراسانی، راضیه سادات (۱۳۹۸ش). «تقابل‌های معنایی حق در قرآن براساس معناشناسی ساختگرا». دو فصلنامه پژوهش‌های زبانشناختی قرآن کریم. پاییز و زمستان ۱۳۹۸ش. شماره ۲. ص ۱۹۰-۱۷۵

فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ سوم.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت. چاپ دوم.

فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق). *من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک. چاپ اول.

مختاری، قاسم؛ هادی فر، فریبا، (۱۳۹۸ش). «جایگاه معنایی واژه حق در قرآن کریم بر پایه روابط همنشینی واژگان». دو فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات. بهار و تابستان ۱۳۹۸ش. شماره ۷. ص ۱۰۶-۸۱

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ اول.

معین، محمد (۱۳۷۸ش). *فرهنگ فارسی (متوسط)*. تهران: امیرکبیر. چاپ سیزدهم.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه. چاپ دهم

واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۱ش). *نگرش سیستمی به دین*. مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام. چاپ سوم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی